



تبیین ژئوپلیتیکی همگرایی اقتصادی هند با ایران



دکتر افسین متقی* - دکتر ریحانه صالح آبادی** - حامد رحمانی***

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

همگرایی اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه و همسایگان را می‌توان ماهیت جدیدی از روابط بین کشورها، پس از جنگ سرد دانست. به این دلیل که برخی کشورها دیگر میل و رغبتی برای ادامه وضعیت وابستگی به بلوک غرب یا شرق را نداشته و در پی تجربه جدید در همکاری و نزدیکی با یکدیگر بودند. ایران و هند نیز از این قائله مستثنی نبودند. موقعیت ژئوپلیتیکی هند و شرایط عدم همگرایی سیاسی و اقتصادی با برخی همسایگان نزدیک این کشور را می‌توان به نحوی موقعیتی مناسب برای استفاده کشورهای دیگری همچون ایران دانست. از این رو این پژوهش با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای و اینترنتی در پی جواب این سؤال است که از منظر ژئوپلیتیکی کشور هند چه نقشی می‌تواند در همگرایی اقتصادی با کشور ایران داشته باشد؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که سه عامل باعث شکل‌گیری همگرایی اقتصادی ایران و هند شده، که عبارت‌اند از: واگرایی هند با چین (اختلافات مرزی و دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تسلیحاتی)، واگرایی هند با پاکستان (درگیری کشمیر، مسئله آب رودخانه‌ها، درگیری کارگیل و نزاع در سیاجن) و موقعیت خاص ایران و بندر چابهار و عدم مداخله ایالات متحده آمریکا.

کلیدواژگان

واگرایی، همگرایی اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیکی، هند، ایران

مقدمه

هند و ایران دو کشور با تاریخچه‌ی غنی در قلمروی سیاست، فرهنگ و تجارت هستند. در سال‌های اخیر، دو کشور با امضای توافقات و افزایش همکاری‌های اقتصادی، به سمت تحقق

* نویسنده مسئول، دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایمیل: a.mottaghi@khu.ac.ir

** دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

*** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران.

همگرایی اقتصادی حرکت کرده‌اند. توسعه‌ی روابط دوجانبه، همراه با شرایط ژئوپلیتیکی منطقه و جهان، یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب شده‌اند هند و ایران برای ایجاد همگرایی در حوزه‌های اقتصادی و تجاری همدستی کنند. در چارچوب تحقق همگرایی اقتصادی بین ایران و هند، ارتباطات تجاری، انرژی، حمل و نقل، فناوری، صنعت، کشاورزی و توسعه‌ی بنادر و مرزی از جمله زمینه‌های مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین، همکاری‌های دوجانبه در برابر تحریم‌های اقتصادی نیز با توجه به قراردادهای انجام شده و روابط خوب دو کشور، از جمله اقداماتی است که توانسته‌اند به تحقق همگرایی اقتصادی کمک کنند. از این‌رو، با توجه به اینکه همگرایی اقتصادی هند و ایران در دستور کار دو کشور قرار گرفته و تحقق آن به دلیل شرایط ژئوپلیتیکی منطقه و جهانی، به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای خط‌مشی دو کشور در حوزه‌ی سیاست خارجی محسوب می‌شود، لازم است تا بررسی‌های بیشتری در این زمینه صورت گیرد. با توجه به اهمیتی که این کشور برای جمهوری اسلامی ایران از منظر منابع انسانی، اقتصادی، فرهنگی و ... دارد لازم و ضروری است تا در این تحقیق به بررسی عوامل همگرایی آن با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شود.

۱- پیشینه

محرابی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای بیان می‌کند در پژوهش حاضر ارتباط بین روابط اقتصادی ایران و هند با جایگاه ژئواستراتژیک ایران و عوامل واگرا و همگرایی مؤثر در توسعه اقتصادی دو کشور پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از آن است که کشور هند می‌تواند به عنوان پیوند دهنده ارتباط بین کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز با کشور هند باشد و انتظار می‌رود که شاهد افزایش چشمگیری در تقویت همگرایی بین ایران و کشور هند باشیم.

وحیدی (۱۴۰۱) بیان می‌دارد بر اساس نتایج پژوهش ۷۱ مفهوم، ۵۷ مقوله و ۳۳ مضمون شامل ۶ عامل علی مانند عوامل دفاعی-امنیتی، عوامل ژئوپلیتیکی و عوامل اقتصادی، ۴ عامل زمینه‌ای مانند بستر لازم برای استقلال منطقه‌ای، زمینه ایجاد نیروی مشترک و مرکب، ۷ عامل مداخله‌گر مانند توان نیروی دریایی کشورها، موقعیت ژئواستراتژیک، آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها، تعارض منافع، ۶ راهبرد مانند استفاده از ظرفیت همگرایی و همبستگی، کاهش حضور نظامی بازیگران و قدرت‌های مداخله‌گر خارجی و ۱۰ پیامد مانند افزایش بهره‌گیری از عمق راهبردی ج.ا. ایران، افزایش میزان همبستگی کشورهای منطقه با ج.ا. ایران، مشارکت در ائتلاف دفاعی-امنیتی، تعاملات نظامی، مناسبات اقتصادی احصاء و الگوی همگرایی امنیت دریایی در حوزه شمال اقیانوس هند با تأکید بر حوزه‌های نظامی و اقتصادی تدوین گردید.

پانت (۲۰۲۰) بیان می‌کند در جریان سفر محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران، به هند در ژانویه

۲۰۰۳، هند و ایران هر دو در رد موضع ایالات متحده در قبال عراق قاطعانه استدلال کردند که حاکمیت و تمامیت یک ملت نباید نقض شود. دولت عربستان دلایل خاص خود را برای تقویت روابط هند دارد. نخست‌وزیر هند و پادشاه عربستان سعودی از دیدار خود در دهلی نو برای امضای یادداشت تفاهم برای مقابله با تروریسم، جنایات فراملی و عملیات زیرزمینی استفاده کردند. هند دریافته است که آموختن از تجربه اسرائیل در برخورد با تروریسم به‌طور فزاینده‌ای سودمند است، زیرا اسرائیل نیز مدت‌ها از تروریسم فرامرزی رنج می‌برد.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱- منطقه

منطقه به‌عنوان زیرمجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین بخشی از آن است که به لحاظ ساختاری و یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار است و بر پایه خصیصه‌های ساختاری و یا کارکردی از مناطق هم‌جوار خود متمایز می‌گردد. منطقه می‌تواند خشکی پایه، آب‌پایه و یا تلفیقی باشد و از مقیاس‌های کوچک، نظیر دریاچه یا شبه‌جزیره تا مقیاس‌های بزرگ نظیر اقیانوس و یا قاره را در برگیرد (Hafeznia and Kaviani Rad, 2004: 65-71)، (حافظ‌نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۶۵-۷۱).

۲-۲- منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی از تغییر ماهیت منطقه جغرافیایی حاصل می‌گردد؛ بدین نحو که عناصر کارکردی و ساختاری منطقه جغرافیایی از بعد سیاسی به‌طور جمعی یا فردی و یا به صورت کامل یا ناقص نقش‌آفرینی می‌کنند. بنابراین، در منطقه ژئوپلیتیکی عوامل انسانی و طبیعی دارای کارکرد سیاسی بوده و باعث جلب نظر کشورها و دول درون منطقه‌ای یا برون منطقه‌ای می‌گردد و کنش و واکنش آن‌ها را بر می‌انگیزانند؛ به‌طوری که آن‌ها بخشی از الگوهای رفتاری خود را نسبت به آن عنصر شکل می‌دهند. (Yaqoubi, 2013: 41)؛ (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۴۱).

۲-۳- همگرایی اقتصادی

در دهه گذشته، ادبیات همگرایی اقتصادی بر این بحث استوار است که چرا برخی کشورها سریع‌تر از سایرین رشد می‌کنند و شکاف بین کشورها عمیق‌تر شده است. در طول این مدت، علل تفاوت در توسعه اقتصادی در بین کشورها کاملاً متنوع بوده است، از دیدگاه عمومی پذیرفته شده است که این تفاوت ناشی از عوامل نهادی مانند تفاوت در سطوح سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و میزان نوآوری یا پتانسیل فناوری است (Acemoglu, 2012: 54, Harger, 2017: 48, Teixeira, 2016: 1638).

۳- مبانی نظری

از جمله نظریات ذیل همگرایی منطقه‌ای، نظریه نوکارکردگرایی است که به عنوان چارچوب

نظری پژوهش انتخاب گردیده است که به نظر نگارنده شاید این نظریه یکی از جامع‌ترین نظریاتی است که می‌تواند این تحقیق را تبیین کند. با توجه به اصل نیاز به همگرایی شرایطی که موجب همگرایی اقتصادی در سازمان همکاری اقتصادی باشد وجود ندارد چرا که طبق نظر نظریه پردازان نوکارکردگرایی اراده انسانی در شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای بسیار مهم است چرا که زمانی که رهبران؛ همگرایی را در جهت منافع خود ببینند به آن روی می‌آورند و نه اینکه طبق نظریات کارکردگرایان عوامل جبری و فنی آن‌ها را به همگرایی وا دارد. نظریه کارکردگرایی به تحلیل و بررسی این موضوع اشاره دارد که در نظام بین‌الملل کشورهای دارای استقلال با اقدام داوطلبانه می‌توانند بصورت گروهی در حل مشکلات تصمیم‌گیری کنند و همچنین در سطوح اجتماعی و اقتصادی نیز به صورت فردی می‌توانند در داد و ستدهای میان حکومتی باعث تغییرات سیاسی مهمی گردند (Ifestes, 1987: 76).

از دیدگاه نظریه پردازان نوکارکردگرا عامل تحول دو نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، فرآیند همگرایی منطقه‌ای است. نوکارکردگرایان به طرح نمودن فرضیه‌ای با عنوان سیاسی شدن یا تسری فرآیند همگرایی اقدام نموده‌اند که دارای این مفهوم است که بازیگران یک منطقه جغرافیایی تمایل به حرکت از همکاری‌های فنی به سوی تقویت همکاری‌های سیاسی است با این وجود، یکی از این نظریه پردازان به نام فیلیپ اشمیتز، هدف نوکارکردگرایی را ویژگی‌های منطقه‌ای و ملی در مدلی از دگرگونی در نظام بین‌المللی دانسته است. (Sobhanifar, 2005) (سبحانی فر، ۱۳۸۳).

از دیدگاه ارنست هاس اتحاد در همکاری در تمام بخش‌ها، جهت رسیدن به هدف لازم است؛ به طوری که در هر اقدامی همکاری یک بخش نیازمند همکاری دیگر بخش‌ها است و این قضیه را می‌توان بالعکس نیز صحیح جلوه داد. بدین گونه که در صورتی که برای یک بخش مشکلی به وجود آید دیگر بخش نیز دچار مشکل می‌شوند (Hass, 2013:161-162). بنابراین، همکاری را باید همان همگرایی محسوب نمود. بر همین اساس باید گفت در صورتی که در جهت شکل‌گیری منطقه‌ای فرآیند همگرایی از قدرت بالایی برخوردار باشد، لازم است دیگر مناطق نیز به منظور تعامل و همکاری تعاملات خود را در سطح بین‌المللی بالا برده و آن را با نهادهای دیگر نیز افزایش دهند. در این پژوهش بر اساس نظریه نوکارکردگرایی، در پی نشان دادن این موضوع بوده‌ایم هند و ایران فارغ از شرایط جبری، آیا بر اساس دیدگاه‌های عملگرایانه و درک و فهم شرایط یکدیگر چه از منظر ژئوپلیتیکی و چه از منظر جایگاه در روابط بین‌الملل، می‌توانند با یکدیگر به یک همگرایی برسند.

۴- علل همگرایی اقتصادی هند و ایران

۴-۱- منازعات ژئوپلیتیک و واگرایی هند با چین

از جمله قدرت‌های نوظهور آسیایی دو کشور هند و چین هستند که روابطشان در آسیا در جهت

دینامیک‌های امنیتی و موازنه قوا بسیار مهم است. به طوری که یکی از نقاط عطفی که در سال‌های اخیر یعنی در سال ۲۰۰۸ بین این دو کشور به وجود آمد، طرحی بود که با سفری که مانموهان سینگ نخست‌وزیر هند، به چین داشت، تحقق پذیرفت و مطرح گردید و آن طرح «چشم‌انداز مشترک برای قرن بیست و یکم» نام گرفت. بر اساس این طرح دو کشور مزبور موظف به همکاری دوجانبه در مسائل منطقه‌ای و جهانی گردیدند. بر همین اساس بود که در چین رسانه‌های رسمی در خصوص سرعت روابط دو کشور هند و چین صحبت می‌کردند؛ با این وجود متخصصان چینی نسبت به روابط هند و چین در آینده خوش‌بین بودند. با این حال، اصولاً دو کشور هند و چین نمی‌توانند الزامات تغییر ماهیت استراتژیک بین‌الملل را که در آن منافع اقتصادی از موضوعات سیاسی پیشی گرفته است را نادیده گیرند. در واقع، به علت ماهیت در حال توسعه بودن هر دو کشور، بین آن‌ها همگرایی منافع در بسیاری از موضوعات از جمله سیستم اقتصادی بین‌الملل، امنیت انرژی و محیط‌زیست وجود دارد (Roshan and Faraji, 2016: 225)؛ (روشن و فرجی، ۱۳۹۶: ۲۲۵)، بنابراین، موضوعات اقتصادی و تجارت به عنوان موضوعات اساسی برای همکاری هند و چین محسوب می‌گردند؛ بر همین اساس، در سال ۱۹۸۴ دو کشور موافقت نمودند تا نسبت به موضوعات اقتصادی توافق نمایند که این امر باعث شد تا در سال ۱۹۹۴ نسبت به امضای قرارداد «ممانعت از مالیات مضاعف» اقدام نموده و باعث رونق تجارت از آن زمان به بعد گردند؛ به طوری که در سال ۲۰۰۵ ارزش مبادلات تجاری بین دو کشور مزبور، به ۱۸/۷ میلیارد دلار در طول سال مالی ۲۰۱۴-۲۰۱۵ به ۷۲/۴ میلیارد دلار رسید (Hedayati Shahidani et al., 2017: 30)؛ (هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۷: ۳۰)، با این وجود باید گفت دو کشور هند و چین، برای دیگر کشورهای توسعه‌یافته از نظر اقتصادی دو مدل «توسعه‌ای» محسوب می‌گردند و بیست درصد جمعیت کل جهان را در خود جای داده‌اند.

۴-۱-۱- اختلافات مرزی

هند و چین دو کشوری هستند که از دو بعد جمعیتی و اقتصادی دارای اشتراک هستند؛ ولیکن علیرغم چنین اشتراکاتی، روند توسعه روابطشان با فراز و فرودهایی مواجه شده است و مسائلی هست که همین مسائل باعث واگرایی آن‌ها گردیده است. از جمله مسائل اختلافی بین دو کشور، اختلافات مرزی است. بدین شرح که این دو کشور به وسیله بک مرز طولانی به یکدیگر متصل هستند که این مرز به وسیله سیکیم یونان و نیال شامل سه قسمت شده است، به طوری که میان غرب پاکستان و برمه هیمالیا واقع گردیده است. با این وجود، چین در چند سال اخیر سدی را بر روی رودخانه یارلونگ که از تبت نشأت و به رودخانه آروناچال‌پرادش می‌ریخت، احداث نمود و همین امر باعث گردید که چین به علت احداث سد ادعای مالکیت کل ایالت شمال شرقی هند را داشته باشد که در واقع، همان مرز مشترک دو کشور یعنی آروناچال‌پرادش هند بر آن تسلط داشت، است. در مقابل هند ادعا نمود بخشی از قلمرو آکسای چین، در تسطش است (Jain, 2004: 255-). (256).

لذا، این مسئله یکی از مسائل مرزی لاینحل می‌باشد که تاکنون حل نگردیده است. اختلاف دیگر به سال ۱۹۱۴ برمی‌گردد که خط مرزی مک ماهون در سرحدات و چین مشخص گردید که نهایت آن اختلاف طول مرزی می‌باشد. علاوه بر این اختلافات، آنچه باعث گردید این دو کشور نسبت به یکدیگر رقیب گردند، آرمانگرایی هند جهت کسب عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل بود که این موضوع برای چین قابل تحمل نبود و این کشور با عضویت و ارتقای جایگاه هند در سازمان ملل مخالف بود. ولیکن با توجه به چنین اختلافاتی به نظر می‌رسد، روابط این دو کشور در حال حاضر رو به بهبود باشد، اما مسئله مهم این است که هر دو طرف نسبت به منافع استراتژیکی یکدیگر سوءظن بسیار عمیقی دارند. دو کشور هند و چین از سال ۱۹۸۰ تنش موجود در روابطشان را کاهش دادند؛ به طوری که هر دو کشور سعی به حفظ صلح و ثبات در مناطق مرزی تحت کنترل خود نمودند (Zhu, 2011: 31). علاوه بر این، مسئله دیگر در روابط دو کشور هند و چین ایجاد حکومت در تبعید تبت در دارماسالا است که بعد از شکست شورش تبت در سال ۱۹۵۹، توسط دالایی لاما که حدود ۱۰۰ هزار پیرو داشت وارد هند شد و حکومت در تبعید تبت را در دارماسالا ایجاد کرد. حتی بعد از به رسمیت شناختن منطقه خودمختار تبت در قلمرو چین در سال ۲۰۰۳، هند دست از حمایت خود از حکومت در تبعید تبت در انجام فعالیت‌های تروریستی در چین کمک می‌کند. نمودند به هر حال، به طور کلی، باید گفت که در روابط هند و چین بیشتر بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل مشاهده می‌گردد تا دوستی و فضایی صمیمی. چنین بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل در طول سال‌ها افزایش یافته و در شرایط کنونی از تناسب فراتر رفته است. این چالش همیشه در برهم زدن اختلاف نظرها از طرفین و دستیابی به تفاهم مشترک در مورد تعدادی از مسائل حساس از جمله مسائل مرزی چین و هند بوده است که ادامه داشته و منجر به واگرایی دو کشور گردیده است.

۴-۱-۲- دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تسلیحاتی

دو کشور هند و چین از جمله کشورهایی هستند که از سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند. این موضوع به سال ۱۹۶۴ برمی‌گردد که چین نخستین آزمایش اتمی را انجام داد و در سال ۱۹۷۴ هند نیز بدان دست یافت. با این وجود، در تاریخ امضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای یکی از پنج کشور هسته‌ای جهان چین شناخته شد؛ در حالی که هند از چنین وضعیتی برخوردار نگردید (Roshan and Faraji, 2016: 237) (روشن و فرجی، ۱۳۹۶: ۲۳۷). متعاقب آن در سال ۱۹۸۸، پس از اینکه راجیو گاندی، نخست‌وزیر هند به چین سفر کرد، رابطه هند و چین نیز متحول گردید و این سال بسیار با اهمیت دانسته شد. نتیجه این سفر این بود که در همین سال (۱۹۸۸) آزمایش هسته‌ای هند در ۱۲ و ۱۳ مه انجام گرفت؛ لذا، بعد از اینکه هند آزمایش هسته‌ای را انجام داد، وزیر دفاع وقت این دولت که فرناندز بود صریحاً اعلام نمود که «چین برای هند به مراتب خطرناک‌تر

از پاکستان می‌باشد. «وی از چین به عنوان «مادر غوری» موش آزمایش شده پاکستان یاد نموده است، به طوری که در پی برخی سخنرانی‌ها نسبت به چینی‌ها لحن بدی را به کار برده و این کشور را تهدیدکننده شماره یک هند دانسته است و دلیل آن را احاطه نمودن نیروهای ارتش و دریایی چینی در سراسر مرز میانمار و تبت (هند با پاکستان) عنوان نموده است (Mahmoud, 2007: 10).

بنابراین، آزمایش هسته‌ای هند با عنوان «بحران ۲» نام گرفت؛ چرا که نسبت به چینی‌ها عواقب شدید روانی را بر جای گذاشت. لذا، آن‌ها در مقابل به محکومیت این بحران اقدام نمودند و چنین تهدیداتی را به عنوان اهانتی شرم‌آور عنوان کردند که باعث شد، به درخواست عمومی جامعه بین‌الملل آزمایش‌های هسته‌ای تحریم گردد و در راستای پیشگیری از تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای ضربه محکمی به تلاش‌های جهانی در این راستا (Mahmoud, 2007: 10). چین در پاسخ به ادعاهای هند، به منظور نشان دادن اعتبار خود و دارا بودن قدرت در جهت مسئولیت‌حمایت از اصول عدم اشاعه هسته‌ای جهانی و پایبندی به تعهدات خود در دوره ریاست خود در شورای امنیت سازمان ملل ابتکاراتی را اعمال نمود که شامل موارد ذیل می‌گردد: (۱) قطعنامه ۱۱۷۲ شورای امنیت را تصویب نمود. (۲) در آسیای جنوبی آزمایش‌های هسته‌ای را محکوم نمود. (۳) تقاضا نمود تا برنامه‌های هسته‌ای هند و پاکستان متوقف گردد. (۴) مسلح شدن به سلاح هسته‌ای اجتناب گردد. علاوه بر این، چین به دلیل ابراز خشمی که داشت، نشست گروه کاری مشترک نوامبر ۱۹۹۸ هند و چین را لغو نمود (Farzin Niya, 2018: 22)؛ (فرزین نیا، ۱۳۸۸: ۲۲). نتیجه اینکه مسئله دستیابی دو کشور هند و چین به سلاح‌های هسته‌ای تسلیحاتی باعث شد تا این دو کشور را با اختلاف روبه‌رو سازد و همگرایی آن‌ها را بر هم زده و تبدیل به واگرایی نماید.

۴-۲- منازعات ژئوپلیتیک و واگرایی هند با پاکستان

قدرت‌ها و نیروهای متشکل سیاسی در رقابت به منظور تصرف و کنترل فرصت‌ها و ابزارها و امکانات قدرت‌آفرین، مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را از شرایط تعادل و آرامش خارج نموده و وضعیت بحرانی را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید (Hafeznia, 2007: 18)؛ (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۸). هند و پاکستان در طول ۶ دهه گذشته روابط بسیار پرتنش و پرتلاطمی را تجربه کرده‌اند. به طوری که از آغازین روزهای استقلال پاکستان از هند، مسائلی از قبیل امتناع هند از استرداد دارایی‌های پاکستان از بانک مرکزی هند که منجر به بروز بحران شدید مالی برای پاکستان شد، اختلاف بر سر مسئله جامو و کشمیر، اختلاف بر سیاسی آب رودخانه پنجاب و مسائل هسته‌ای همواره باعث بروز بحران در روابط دو کشور شده است. تا جایی که تاریخ ۶۰ ساله پاکستان شاهد سه جنگ با کشور همسایه یعنی هند بوده است. با عنایت به اینکه منطقه کشمیر که شامل رودخانه‌های پنجاب و سند و جلگه‌های حاصلخیز می‌باشد و برای کشور پاکستان به علت این‌گونه موقعیت، دارای موقعیت استراتژیکی خاصی می‌باشد، ولیکن این موقعیت از سوی رقیب پاکستان یعنی هند، به عنوان

تهدیدی جدی تلقی می‌گردد (Hafeznia, 2001: 282)؛ (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۸۲) در همین راستا نیز، درگیری‌هایی به صورت مجزا صورت گرفته است که می‌توان به مسئله کشمیر، مسئله کارگیل، مسئله آب رودخانه‌ها، نزاع در سیچن و درگیری بین نیروهای امنیتی و ستیزگران در جامو و کشمیر اشاره نمود که در ذیل به بررسی هر یک پرداخته می‌شود.

۴-۲-۱- مسئله کشمیر

دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با مسئله کشمیر به دلیل تفاوت در ایدئولوژی و علایق وجود دارد. مسئله ساده حق تعیین سرنوشت به یک درگیری پیچیده بین هند و پاکستان تبدیل شده است. در ۱ ژانویه ۱۹۴۹، توافقنامه آتش‌بس بین پاکستان و هند با قطعنامه سازمان ملل امضا شد. اما هند هرگز چنین کاری نکرده است. از آنجا که دیدگاه‌ها و خواسته‌های هر دو کشور درباره کشمیر متفاوت است، این مسئله همچنان یک مناقشه حل‌نشده و جدی است. درگیری حل‌نشده در کشمیر یک تهدید امنیتی در منطقه آسیای جنوبی به اثبات رسانده است. هند و پاکستان جنگ‌های زیادی داشته‌اند و انگیزه اصلی این جنگ‌ها کشمیر بوده است. در واقع، هند با اعمال سیاست سخت‌گیرانه و الزام آور خود در پی به دست آوردن کشمیر که بخشی از پاکستان می‌باشد، است؛ در واقع، دلیل این سیاست هند، کثرت مسلمانان در کشمیر است. به‌هرحال، واضح‌ترین نمونه عینی یک بحران ژئوپولیتیک تأثیری است که کشمیر بر روابط درون منطقه‌ای شبه‌قاره هند، گذاشته است؛ چراکه این بحران دارای اثر بی‌بدیلی در مقایسه با سایر دیگر مسائل شبه‌قاره هند بوده و در واقع، امنیت فضای منطقه‌ای شبه‌قاره هند را ناامن ساخته است. لذا، این نوع نزاع به عنوان مناقشه‌ای لاینحل بوده که باعث جلوگیری از عادی شدن ارتباط میان دو کشور خلف بریتانیا می‌گردد.

۴-۲-۲- درگیری کارگیل

مسئله کارگیل خود یک جنگ کامل تلقی نمی‌شود، «اما این یکی از درگیری‌های جدی بین پاکستان و هند است. این منطقه در زمینه مشکل کشمیر مهم است زیرا یک خط تقویت‌کننده هندی در دره کشمیر وجود داشت. این جنگ تهدید جدی جنگ هسته‌ای را برجسته کرد. هر دو کشور بمب اتم را درست قبل از درگیری آزمایش کردند. این درگیری با دخالت جامعه بین‌المللی پایان یافت و مانع از تبدیل آن به یک جنگ کامل هسته‌ای شد.» بحران‌های کارگیل هنگامی که در سال ۱۹۹۹ پاکستان و هند در آستانه جنگ هسته‌ای بودند، این درگیری با دخالت جامعه بین‌المللی پایان یافت. به‌ویژه، ایالات متحده پاکستان و هند را متقاعد کرد که برای بحث و حل مسائل حل‌نشده، از جمله مسئله کشمیر، پای میز مذاکره حاضر شوند.

۴-۲-۳- مسئله آب رودخانه‌ها

آب یکی از مهم‌ترین مفاد جدول زمان‌بندی فعلی است. جنگ‌هایی که بر سر آب رخ می‌دهد، به این دلیل است که این منبع مهم با افزایش جمعیت جهان تقریباً به پایان رسیده و تقاضای انرژی در حال افزایش است. با این وجود، «چندین کشور در وضعیت حفظ هژمونی خود بر روی مخازن

مختلف آب قرار دارند تا آن را برای نیازهای آینده خود تأمین کنند. هند به عنوان یک منطقه فوقانی و پاکستان به عنوان یک ایالت ساحلی پایین در یک چمن ثابت در حوضه سند و توزیع آب قرار دارند (Barlow, 2009). با این وجود، اختلافات هیدروپولیتیک بر سر تقسیم آب رودخانه‌ها در جنوب آسیا به عنوان یکی از ابعاد بار استراتژیک مکان‌های مورد منازعه در شبه‌قاره هند ارائه گردیده است. بدین نحو که، در سال ۱۹۴۸ هند عرضه آب به پاکستان را قطع کرد و این واقعیت باعث نگرانی مردم پاکستان شد که سناریوی احتمالی را تصور می‌کردند که در آن جامو و کشمیر تحت سیطره کامل هند قرار دارند. البته در آسیای جنوبی نزاع و درگیری بر سر منابع آب به حدی مهم بود که باعث شد تمام دنیا به این موضوع نگران شوند؛ از جمله این نزاع‌ها عبارتند از: نزاع میان هند و پاکستان بر سر رود ایندوس، هند و بنگلادش بر سر رودخانه گنگ در فراکا و هند و نپال بر سر سهم‌بندی جریان رودخانه ماهاکالی. با این وجود باید گفت بیشتر مباحثات در مورد روابط بین هند و پاکستان ناسازگار است و اغلب به زبان تلخ هم در داخل دولت و هم در رسانه‌ها ثبت می‌شود. (Raghavan, 2013) چرا که همان‌طور که بیان شد، هند با احداث سد‌ها در سهم آب پاکستان پیمان خود با پاکستان تخطی نموده است.

۴-۲-۴- نزاع در سیاجن

در تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۴ ارتش هند به فاصله کوتاهی قبل از نیروهای نظامی پاکستان به ارتفاعات منطقه یخبندان سیاجن در کشمیر شمالی رسیده و بر آن مسلط شدند. یخچال‌های طبیعی سیاجن بخشی از کوه‌های قراقرم از جمله رشته‌کوه‌های مرتفع هیمالیا است و بخشی از خطوط مرزی دو بخش کشمیر تحت کنترل هند و پاکستان است. چندین سال پس از آن واقعه، هنوز اختلافات و نزاع دو کشور بر سر مالکیت این مناطق کوهستانی ادامه دارد. این اختلاف بر سر مرتفع‌ترین نقطه مرزی دنیا که تقریباً از دیده جهانیان پنهان بوده اکنون وارد چهارمین دهه از عمر خود می‌شود. نزاع و درگیری از آنجا شروع شد که در اواخر دهه ۱۹۷۰ بر اساس یک نقشه آمریکایی مناطق کوهستانی‌ای را نشان داد که در آن نقشه خطوط پذیرفته‌شده بر اساس آتش‌بس میان هند و پاکستان بسیار دور و در شرق قرار داشت. به نظر می‌رسید که نقشه‌نگاران آمریکایی بخش گسترده‌ای از دامنه‌های شرقی کوهستان قراقرم، از جمله منطقه یخبندان سیاجن را به پاکستان واگذار کرده‌اند. برخی بر این نظرند که سیاجن توسط ارتش پاکستان یک عقب‌گرد بزرگ نظامی تلقی می‌شود (Malik, 2006:54). ژنرال‌های پاکستانی یخچال سیاجن را سرزمین خود می‌دانند که توسط هند به سرقت رفته است (Dettman, 2001:59). هنگامی که هند در آوریل ۱۹۸۴ خط الراس سالترو را اشغال کرد، بی‌نظیر بوتو به‌طور علنی ارتش پاکستان را طعنه زدند که «فقط در جنگ با شهروندان خود مناسب است». (Malik, 2006:53).

هنگامی که، در ژوئن ۱۹۸۷، ارتش هند ارتفاع ۲۱۱۵۳ فوتی را به دست آورد «پست کوئید» و

به احترام آن به «بابا تاپ» تغییر نام داد نایب سوبیدار بنا سینگ، بو تو بار دیگر علناً ژنرال‌های پاکستانی را مورد تمسخر قرار داد و به آن‌ها گفت اگر نتوانند در سیانچن جنگ کنند، بندهای خود را ببندید (Kapadia, 2005: 235). دولت‌های هند و پاکستان با وجود امضای چندین توافقنامه آتش‌بس هیچ‌گاه خطوط مرزی بین دو کشور در مناطق کوهستانی کشمیر و از جمله ارتفاعات سیانچن را مشخص نکرده بودند. هر یک از طرفین نقشه خود را چاپ می‌کرد که خطوط مطلوب آن‌ها از تقسیمات جغرافیایی و مرزهای منطقه نشان داده می‌شد (Military website, 2014).

۴-۳- نقش بندر چابهار در همگرایی هند و ایران با عدم دخالت آمریکا

برژینسکی، اندیشمند مشهور آمریکایی، بر آن است که پنج بازیگر اصلی ژئواستراتژیک و در کنار آن پنج محور ژئوپلیتیکی در منطقه اوراسیا وجود دارد: فرانسه، آلمان، روسیه، چین، و هند نقش مهمی به عنوان بازیگران ژئواستراتژیک دارند و آذربایجان، اوکراین، کره جنوبی، ترکیه، و ایران به عنوان محورهای ژئوپلیتیکی اوراسیاست. وی بر آن است که موقعیت‌های حساس محورهای ژئوپلیتیکی امکان مناسب را برای بازیگران ژئواستراتژیک جهت دسترسی به موقعیت‌های دروازه‌ای و مکان‌های مهم ارتباطی در اوراسیا فراهم می‌کند. در این زمینه، علائق سیاسی و فرهنگی محورهای ژئوپلیتیکی با بازیگران ژئواستراتژیک ارتباط این دو حوزه را به هم متصل می‌کند (Brzezinski, 1998: 41).

در این چارچوب، ایران در محور اوراسیای هند قرار دارد. قرابت‌های فرهنگی، زبانی، تاریخی، اقتصادی، و سیاسی دو کشور و موقعیت استراتژیک ایران باعث شده تا ایران در سیاست خارجی هند از جایگاه مهمی برخوردار باشد (Visi, 2022: 217). هرچند، روابط اقتصادی و سیاسی ایران و هند دارای پیشینه‌ای دور و به پهنای تاریخ می‌باشد و به نوعی حتی می‌توان امپراتوری ساسانیان را سرآغاز روابط بین این دو کشور دانست (Mohammadi and Tehami, 2020: 156). با این حال، پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷، هر دو کشور تلاش کردند روابط دو جانبه محکمی برقرار کنند، که توسط بسیاری از عوامل خارجی از جمله تغییر سریع سناریوی جهانی و جنگ سرد تحقق یافت. با این حال، پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، ایران بر ترجیح خود برای افزایش روابط تجاری با کشورهای در حال توسعه از جمله هند به دلیل تحریم‌های ایالات متحده و برخی کشورهای صنعتی تأکید کرد (Wani, 2018). به عبارت دیگر، ایران به‌منظور برطرف گردیدن کمبودهای ناشی از تحریم‌ها در جریان بحران گروگان‌گیری، از هند درخواست کمک نمود (Statesman, 1980).

هند همچنین واکنش مثبتی به ابتکار عمل ایران نشان داد و هر دو کشور با تمایل به افزایش روابط تجاری خود در سال ۱۹۸۳ کمونیستی مشترک ایجاد کردند. در طول دهه آخر قرن بیستم، بسیاری از عوامل اقتصادی و امنیتی با توجه به تغییر اوضاع اقتصادی و امنیتی در منطقه، به یکی از مناطق مورد علاقه مشترک دو کشور تبدیل شدند. در واقع، از ابتدای سده بیست و یکم، دولت هند

به دنبال احیا و تقویت روابط خود با ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی و ماورای خزر بوده است. استراتژی نگاه به شمال هند با مانعی به نام پاکستان، دشمن دیرینه هند، برخورد داشت. بر این اساس، هند سرزمین ایران را برای اتصال به شمال و منطقه اوراسیا انتخاب کرد. پس از اینکه سده‌ها و دهه‌ها اتصال و دسترسی به منطقه قلب اوراسیا از سمت جنوب به شمال یک مسئله بود، سه دولت هند، ایران، و روسیه در ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۰۰ در سن پترزبورگ گرد هم آمدند و توافق‌نامه کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال جنوب، که یک سیستم ترکیبی حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، و آبی بود، به منظور ارتقای همکاری‌های ترانزیتی از بمبئی تا سن پترزبورگ امضا شد (Kutman, 2016: 73).

نقطه آغازین مسیر خشکی کریدور جنوبی شمالی بندر چابهار در جنوب شرقی استان سیستان و بلوچستان است. نزدیک‌ترین شهر ایران به هند بندر چابهار است و این بندر تنها بندر اقیانوسی ایران است. موقعیت مناسب جغرافیایی و پتانسیل بالای ترانزیتی و بندرگاهی باعث شده است تا هندیان توجه ویژه‌ای به بندر چابهار داشته باشند. علاوه بر آن، تحرکات رقیب و دشمن دیرینه هند یعنی پاکستان در بندر گوادر و سرمایه‌گذاری گسترده چینی‌ها در این بندر انگیزه دولت هند برای توسعه بندر چابهار برای دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی و اوراسیا را افزایش داده است. بر این اساس، چابهار «دروازه طلایی» هندیان برای ورود به کشورهای مستقل «مشترک المنافع» (CIS) و افغانستان است و پتانسیل گسترده‌ای برای اتصال مراکز تجاری جنوب آسیا (هند)، منطقه خلیج فارس (دبی)، آسیای مرکزی، و افغانستان دارد. از این رو، بندر چابهار در نزد هند از اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیکی، و ژئواکونومیک خاصی برخوردار است. این مسئله وقتی نمایان‌تر می‌شود که بندر چابهار در بستر رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک چین و هند دیده شود. از این نگاه، بندر چابهار به عنوان نقطه محوری و دروازه‌ای برای هندیان است که نمی‌خواهند به راحتی آن را از دست بدهند.

پیگیری مداوم و مستمر هندیان برای فعال‌سازی کریدور شمالی جنوبی و در چارچوب روابط دوجانبه ایران- هند و توافق‌نامه سن پترزبورگ، بیهاری واجایی، نخست‌وزیر هند، در سال ۲۰۰۳، به تهران سفر کرد و به دولت ایران اطمینان داد که هند بندر چابهار را توسعه خواهد داد. بنابراین، روابط فعلی در طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۳ با اعلامیه‌های تهران و دهلی به اوج خود رسید، که مجموعه قابل توجهی از چارچوب همکاری‌های پیشرفته را ایجاد کرد (Cheema, 2018). هر دو کشور همکاری کرده‌اند تا ارتباطات منطقه‌ای را افزایش دهند (Roy, 2013) و با توجه به تهدیدات و چالش‌های جدید در آسیا، روابط اقتصادی و استراتژیک نزدیک دارند (Purushottaman, 2018). به‌هرحال، در سال ۲۰۰۳، هر دو کشور اعلامیه دهلی را امضا کردند و به روابط استراتژیک دست یافتند. درحالی‌که ایران می‌خواست به دلیل سیاست هسته‌ای خود با ایجاد ارتباط با دیگر کشورهای در حال توسعه به انزوای بین‌المللی خود پایان دهد، هند خواهان تأمین سوخت مداوم

برای تأمین نیازهای روزافزون انرژی خود بود. (Pant, 2008) با این حال، هند علی‌رغم برخورداری از روابط خوب، با توجه به مسئولیت آن در جهان کنونی، در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران رأی داد. حتی برخی معتقدند که رأی هند علیه ایران تحت فشار ایالات متحده آمریکا بوده است (Purushottaman, 2017). هند در سال ۲۰۰۹ بیش از ۲۰۰ کیلومتر جاده زرنج دلارام را در افغانستان تا نزدیک مرز ایران تکمیل کرد. راه میلک، زرنج، و دلارام با شهرهای دیگر افغانستان نظیر کابل، قندهار، و هرات متصل است. تکمیل پروژه و از مسیر هند-چابهار-افغانستان فاصله بین هند و آسیا مرکزی را تا حدود ۱۵۰۰ کیلومتر کاهش می‌دهد (Roy, 2013: 961-962).

بنابراین، ایران با وجود تحریم‌هایی که نشان‌دهنده افزایش نیازهای نفتی هند و وابستگی آن به ایران است، در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به عنوان دومین تأمین‌کننده نفت هند تبدیل شد. در سال ۲۰۱۵، ایران و کشورهای ۵+۱ (ایالات متحده آمریکا، انگلیس، روسیه، فرانسه، چین و آلمان) توافق‌نامه‌ای درباره برنامه هسته‌ای ایران امضا کردند. در جولای ۲۰۱۵ با سفر نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند به روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی تقویت سیاست، ارتباطی آسیای مرکزی با هند از مسیر ایران خواستار شد. در طی دیدار مودی از ایران در ماه می ۲۰۱۶ / خرداد ۱۳۹۵، توافق‌نامه بازرگانی و توسعه بندر چابهار را با دولت ایران امضا کرد و متعهد شد تا دولت هند ۵۰۰ میلیون دلار در چابهار سرمایه‌گذاری کند. در این میان، شرکت ایگل هند متعهد به سرمایه‌گذاری ۸۵ میلیون دلار جهت تأمین تجهیزات بندری چابهار و در قالب قرارداد بی او تی به مدت ده سال شد (Guardian, 2014). علاوه بر آن، هر دو کشور پروژه شبکه، ریلی چابهار زاهدان مشهد به ارزش چند میلیارد دلار را برای اتصال نواحی مختلف منطقه اوراسیا مورد بحث قرار دادند. برای این منظور، دو طرف تلاش نمودند، سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را جذب کنند (Visi, 2022: 219)؛ (ویسی، ۱۴۰۱: ۲۱۹). در سال ۲۰۱۸، دولت ترامپ از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ خارج شد که شک و تردیدهای زیادی در مورد ارتباط ایران با جهان خارج ایجاد کرد. با این حال، ایالات متحده آمریکا نباید دستورات خود را به هند و سایر کشورها تحمیل کند، همان‌طور که در دنیای امروز، هر کشور با توجه به منافع اقتصادی و استراتژیک خود سیاست خود را تنظیم می‌کند. از آنجا که رابطه با ایالات متحده از نظر امنیتی مهم است، با توجه به توافق هسته‌ای بین دو کشور، رابطه با ایران از نظر اقتصادی با توجه به نیازهای نفتی و دسترسی به آسیای میانه و افغانستان از اهمیت برخوردار است. در سال‌های اخیر هند و ایران روابط دوجانبه‌شان را توسعه داده‌اند.

بر اساس داده‌های بانک صادرات و واردات هند، در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ میزان تبادل تجاری دو کشور متجاوز از ۱۷ میلیارد دلار بوده که نشان می‌دهد افزایش قابل توجهی نسبت به سال ۲۰۱۶-۲۰۱۵ که ۹/۱ میلیارد دلار بوده، داشته است (Export and Import Bank, 2017). در چارچوب

گسترش روابط دوجانبه، بندر چابهار مکان جذابی برای هند است. امروزه، در حدود ۶۵ درصد تجارت دریایی ایران و بیش از ۵۶ درصد معادل وزنی کالاهای صادراتی و وارداتی ایران به وسیله بندر شهید رجایی بندرعباس انجام می‌گیرد (Ports and Maritime Organization, 2016) دولت ایران تصمیم دارد تا سهم بندر چابهار از صادرات و واردات کالا و تجارت ملی را افزایش دهد. بندر اقیانوسی چابهار ظرفیت بسیار بالایی برای توسعه و افزایش جایگاه آن در شبکه حمل‌ونقل ایران و منطقه را دارد. بر اساس گزارش سازمان بنادر و دریانوردی ایران، با تکمیل فاز نخست توسعه بندر شهید بهشتی چابهار، ظرفیت جاری بندر از ۲/۵ میلیون تن به ۸/۵ میلیون تن سالانه افزایش می‌یابد (Ports and Maritime Organization, 2018). ایران تلاش می‌کند تا با جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه بندر چابهار و ایجاد کریدور شمالی جنوبی، علاوه بر تأمین منافع مستقیم اقتصادی خود، امنیت منطقه سیستان و بلوچستان و محور شرق ایران را ارتقا دهد. همچنین، این پروژه به دولت ایران کمک می‌کند تا ایران به بازارهای بزرگ آسیایی متصل شود و از زیر فشار تحریم و انزوا و محدودیت‌های تحمیلی از سوی ایالات متحده آمریکا تا حدود زیادی خارج شود (Visi, 2022: 220)؛ (ویسی، ۱۴۰۱: ۲۲۰).

تکمیل بندر چابهار امکان دستیابی هند به افغانستان و آسیای میانه را فراهم می‌کند که از نظر استراتژیک و تجاری می‌تواند سودمند باشد، به شرط آنکه از فرصت استفاده کنیم. هدف این مقاله تحقیقاتی یافتن تأثیر تحریم‌ها بر علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای آن بر روابط تجاری بین هند و ایران با استفاده از مدل خوداستگرایی آستانه (TAR) و شامل متغیرهای صادرات، واردات و کل تجارت است. ایالات متحده آمریکا باید درک کند که بین خود و هند در مورد مسائل مختلف از جمله مسئله ایران اختلافاتی وجود دارد. با این حال، نباید اجازه داده شود که این امر مانع از ایجاد روابط نزدیک بین دهلی‌نو و واشنگتن شود. علاوه بر این، هند، که متحد رسمی آمریکا نیست، باید مجاز باشد که تصمیمات خود را درباره ایران اتخاذ کند. با توجه به توسعه سریع اقتصادی هند و افزایش تقاضا برای محصولات نفتی، اهمیت ایران در تجارت کل هند از سال‌های گذشته افزایش یافته است. ایران از نظر استراتژیک برای هند مهم است زیرا می‌تواند دسترسی به آسیای میانه و افغانستان را فراهم کند.

۴-۴- حجم مراودات اقتصادی (صادرات و واردات) ایران و چین، پاکستان، هند

آمار زیر بر اساس اطلاعات در سال ۱۳۹۹ ارائه شده از اتاق بازرگانی تهران، استخراج شده، البته لازم به ذکر است که در این آمار اتاق بازرگانی تهران، حجم مبادلات انجام پذیرفته در تمام گمرک‌های کشور را مد نظر قرار داده است. برای سال ۱۴۰۰ به بعد هنوز از طرف این اتاق آماری اراده نشده است که بتواند آن را در این مقاله مورد استفاده قرار داد.

۱۷۷/۳۵۷/۷۵۱	میزان ارزش به دلار (پاکستان)
۱۷۴/۹۳۶/۹۵۵	میزان حجم به کیلوگرم (پاکستان)
۷/۵۴۷/۵۲۶/۸۸۶	میزان ارزش به دلار (چین)
۲۲/۱۱۷/۳۸۴/۵۲۷	میزان حجم به کیلوگرم (چین)
۹۶۹/۶۴۲/۷۱۵	میزان ارزش به دلار (هند)
۶/۲۵۸/۲۰۷/۱۲۶	میزان حجم به کیلوگرم (هند)

جدول ۱- اطلاعات تجارت ایران با پاکستان، چین و هند

Table 1- Iran's trade information with Pakistan, China and India

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۱)؛ (Authors, 2023)

با توجه به جداول فوق می‌توان دریافت که حجم مبادلات تجاری که ایران در قالب صادرات و واردات با کشور چین دارد در مقایسه با حجم مبادلاتش در قالب ذکر شده با هند و پاکستان اختلاف فاحشی دارد. این مسئله می‌تواند در راستای اثبات این موضوع باشد که روابط و نزدیکی دو کشور تنها نمی‌تواند وابسته به نزدیکی آن‌ها از نظر جغرافیایی باشد، و عوامل دیگری نیز دخیل هستند. در طول سال‌های اخیر، کشور هند تحت تأثیر تحریم‌های دولت‌های غربی بخصوص ایالات متحده آمریکا، حتی از پرداخت بدهی‌های خود و خرید نفت ایران (که از استراتژیک‌ترین کالاهای صادراتی ایران است) امتناع ورزیده است. از طرف دیگر در طول این سال‌ها چین همواره به عنوان یک متحد استراتژیک در کنار ایران بوده است، طوری که روابط ایران با چین از لحاظ سطوح همکاری پیشرفت‌های چشمگیری داشته و در نهایت به توافق همکاری ۲۵ ساله ایران و چین ختم شد و انتظار می‌رود که در قالب همین توافق‌نامه و بر اساس آن، این همکاری‌ها در طول زمان گسترش بیش‌تری پیدا کند. تمام این‌ها باید در چارچوب این مسئله تحلیل و بیان شود که در طول سال‌های اخیر، موضوع جایگزین شدن چین به جای ایالات متحده آمریکا در قدرت برتر جهانی، شدن، قوت یافته و بسیاری معتقدند که دوران افول آمریکا و جایگزین شدن چین به جای وی فرا رسیده است. در چنین شرایطی، ایران با تحلیلی واقع‌بینانه و آینده‌نگرانه سعی دارد تا برای آینده سرمایه‌گذاری کرده و با نزدیک شدن به چین و تبدیل این کشور به متحدی استراتژیک، در سال‌های آتی شرایط بهتری برای خود فراهم سازد.

از طرفی همان‌طور که گفته شد در طول سال‌های اخیر، هند همواره تحت تأثیر سیاست‌های خارجی دولت ایالات آمریکا در قبال ایران و منزوی ساختن ایران بوده است اما چین علاوه بر اینکه رقیبی جدی برای ایالات متحده آمریکا به شمار می‌رود، در سال‌های اخیر در مقابل سیاست‌های آمریکا ایستادگی کرده است. لذا با تمام این‌ها می‌توان به منطقی بودن حجم زیاد مراودات ایران با

چین در مقایسه با هند پی برد و دریافت که ایران هر چند بی تمایل به داشتن روابط و همگرایی با هند نیست اما با توجه به اختلاف عمیق این کشور با چین و نزدیکی اش با ایالات متحده امریکا، سعی دارد با طمأنینه و حزم و احتیاط بیش تری در این راستا گام بردارد.

نتیجه گیری

به رغم رکود اقتصاد جهانی در بیش از دو دهه اخیر، از جمله قاره‌هایی که در بحث تولید و تجارت جهانی، ساختار سرمایه، و بهره‌وری روند رو به رشد اقتصاد جهانی نقش آفرین است، قاره آسیا می‌باشد. به طوری که رشد روز افزون این قاره از نظر اقتصادی بر مبنای تجارت بین منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. از کشورهای مشمول این قاره، هند با رشد شتابان اقتصادی و حجم گسترده اقتصادی به عنوان یک قدرت نوظهور جهانی مبدل گردیده است. با توجه به اینکه امروزه چین از نظر اقتصادی به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهانی محسوب می‌گردد؛ ولیکن کشور هند نیز در تلاش است تا یکی از کشورهای مؤثر در نقش اقتصادی در قاره آسیا و حتی در جهان گردد؛ بر همین اساس، هند در اوایل قرن بیست و یکم هدف اصلی سیاست خارجی خود را دسترسی مطمئن و آسان به منابع و بازارهای اوراسیا قرار داده است. لذا، رسیدن به چنین هدفی در پرتو طراحی و احداث کریدور ارتباطی شمالی جنوبی در خشکی بزرگ اوراسیا محقق می‌گردد که برگرفته از استراتژی اوراسیایی و ژئواکونومیک آن است.

از جمله کشورهایی که هند را به هدف خود نزدیک می‌کند، کشور ایران می‌باشد؛ زیرا ایران به دلیل اتصال با آسیای مرکزی و نزدیکی به هند و قرابت‌های فرهنگی و تاریخی مورد توجه هند قرار گرفته است. از طرفی ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی که دارد، باعث شده تا است که باعث همگرایی آن با هند می‌گردد؛ چراکه در این بین بندر چابهار به عنوان نقطه محور در کریدور ارتباطی به صورت رقیب در رقابت ژئوپلیتیکی هند ظاهر شده است. به هر حال، هر دو کشور با توجه به موقع خاص به دنبال اهداف ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی باشند. لذا، موقعیت ژئوپلیتیکی دو کشور مزبور و توجه آن‌ها به اهمیت دستیابی پیشرفت همه جانبه و استفاده به موقع از همه موقعیت‌های پیش رو این امکان را فراهم خواهد ساخت تا با شناخت این موقعیت‌ها دسترسی به آینده‌ای شفاف و پر از موفقیت را به دست دهد. هند اکنون یک قدرت شناخته شده است و آرزو دارد جایگاه خود را نیز ضمن تثبیت افزایش نیز دهد از طرفی اقتصاد هند یک افزایش خارق‌العاده را نشان داده است، با نرخ رشد بالاتر، قابل مقایسه با نرخ رشد چین، یک کشور دیگر آسیایی، که تلاش زیادی برای تبدیل شدن به قدرت اقتصادی را همواره در سر دارد. همچنین ایران نیز با توجه به جایگاه مهم ژئوپلیتیکی خود در منطقه و دسترسی بسیار مهم به دو پهنه آبی بسیار وسیع در صورت برنامه‌ریزی صحیح و بنیادین دوطرفه با کشور هند می‌تواند به رغم زدن معادله دو سر برد را رغم یزند. هند به عنوان یکی از اقتصادهای رو به رشد جهان سعی در این دارد تا به بازار کشورهای

آسیای مرکزی و هم‌چنین افغانستان راه یابد.

در این بین بندر چابهار از لحاظ نزدیکی و دسترسی به آسیای مرکزی، هند و افغانستان بهترین گزینه برای این کشور است. علاوه بر این کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس با در اختیار داشتن حدوداً ۲۰ درصد از جمعیت کل جهان بازار مناسبی به شمار می‌روند. لذا بندر چابهار با قرارگیری در مسیر کریدور شمال و جنوب برای کشور هند از اهمیت خاصی برخوردار است. از طرفی با توجه به اختلافات عمیق هند با پاکستان و چین و سرمایه‌گذاری چین در پاکستان و بندر گوادرا، می‌تواند دلایل قانع‌کننده‌ای برای هند باشد تا تلاش کند روابط و همگرایی خود را با ایران عمق بخشد. هم‌چنین ایران نیز با سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار می‌تواند از منافع اقتصادی آن بهره‌برد و در شرایطی که با مشکلات عدیده‌ی اقتصادی در داخل و معضلات انزوای جهانی که توسط جبهه غرب بدان تحمیل شده و تجارت این کشور را با جامعه جهانی مختل نموده است، در نتیجه می‌بایست انتظار داشت که در راستای این همگرایی بکوشد. همسایگی دو کشور دشمن و رقیب هند، یعنی پاکستان و چین سبب شده تا بر محاسبات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی هند تأثیرگذار باشد. هند برای اینکه از رقابت در زیرساخت‌های ارتباطی با چین عقب‌نماند، تصمیم گرفته تا در بندر چابهار سرمایه‌گذاری کند.

چرا که پاکستان به عنوان متحد چین اجازه نمی‌دهد که هند به آسیای غربی و آسیای مرکزی دسترسی پیدا کند. در این میان اختلافات هند با چین و پاکستان کافی نیست که این راه را برای سرمایه‌گذاری این کشور در بندر چابهار مساعد کند و بستر را فراهم سازد. چرا که پای عامل بسیار تأثیرگذاری به نام آمریکا در میان است. آمریکا برای اینکه ایران را منزوی کند و آن را تحت فشار قرار دهد تا به خواسته‌های خود در زمینه مسائل هسته‌ای و موشکی و منطقه‌ای برسد، اجازه سرمایه‌گذاری‌های کلان در ایران را نمی‌دهد و نمی‌خواهد که ایران وارد معادلات منطقه و آسیای مرکزی بشود و از آن منتفع گردد. از طرفی آمریکا به عنوان رقیب اصلی چین، از سرمایه‌گذاری این کشور در بندر گوادرا پاکستان هراس دارد و نمی‌خواهد اجازه دهد که چین پایش به خاورمیانه و خلیج‌فارس و آسیای مرکزی باز شود. لذا با معاف کردن بندر چابهار از تحریم‌ها راه را برای سرمایه‌گذاری هند در این بندر هموار ساخته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که در این مورد منافع هند و ایران و آمریکا در یک راستا قرار گرفته و آمریکا به‌ناچار سعی خواهد کرد که مانع از پیشرفت این پروژه نشود.

با توجه به نتایج ارائه شده در جهت توسعه هر چه بیشتر روابط تجاری و اقتصادی ایران و هند پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد: - با توجه به منافع اقتصادی و استراتژیک، سیاست‌گذاران هندی باید سیاست خارجی را به گونه‌ای تنظیم کنند که بتوانند با ایران و ایالات متحده آمریکا تعادل برقرار کنند زیرا هر دو کشور از نظر استراتژیک و اقتصادی برای هند مهم هستند. - کمیسیون مشترک

هند و ایران باید مؤثرتر باشد و جلسات و گفتگوهای منظم برای حل مشکلات مربوط به تجارت دوجانبه آن‌ها انجام شود. - با توجه به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و احتمال تحریم‌های آینده ایران، باید برای جلوگیری از هرگونه مانع در تجارت آینده با توجه به نیاز انرژی هند روشی جایگزین طراحی نمود. از سویی دیگر همان‌طور که بیان شد بندر چابهار پتانسیل‌های زیادی برای همکاری و همگرایی ایران با کشورهای منطقه دارد، لذا باید با سیاستی واقع‌گرایانه از این فرصت بهره‌برد و اجازه نداد که این فرصت طلایی در اختیار سایر رقبا و قدرت‌های منطقه‌ای قرار گیرد.

منابع فارسی

۱. حافظ‌نیا، م. کاویانی راد، م. (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
۲. حافظ‌نیا، م. (۱۳۸۵). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، (جلد اول)، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۳. حافظ‌نیا، م. (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، جلد اول، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
۴. روشن، ا. فرجی، م. (۱۳۹۶). روابط هند و چین، فصلنامه روابط خارجی، ۹(۲)، ۲۵۸-۲۲۳.
۵. سازمان بنادر و دریانوردی، (۱۳۹۸). طرح توسعه بندر شهید بهشتی چابهار.
۶. سازمان بنادر و دریانوردی (۱۳۹۶). گزارش سالانه سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران، سامانه آمار عملیات.
۷. سبحانی فر، م. (۱۳۸۳). تأثیر عوامل همگرایی و واگرایی در روابط دو کشور ایران و عربستان، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، (شماره ۱۸)، ۸۳-۱۱۰.
۸. فرزین‌نیا، ز. (۱۳۸۸). روابط چین و هند: همکاری و رقابت، ماهنامه فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۵(۶۵)، ۴۶-۱۵.
۹. کاپادیا، ه. (۱۳۸۳). به هیمالیای ناشناخته: سفرها و صعودها، انتشارات سند.
۱۰. هدایتی شهیدانی، م. پاک‌زاد، ف. گورپاک‌زاد، ز. (۱۳۹۷). عوامل هم‌گرایی و واگرایی در روابط اقتصادی-سیاسی، هند-چین (۲۰۱۵-۲۰۰۱). فصلنامه‌ی راهبرد سیاسی، (سال دوم)، شماره ۶.

English References

1. Acemoglu D. Robinson J. A. (2012). Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity and Poverty” (1st). 1st ed. *New York: Crown*, 529.
2. Ali. N. (2011). General Musharraf’s four-point formula can provide an effective roadmap in Kashmir. An Interview with Prof Abdul Ghani Bhat. Institute of Peace and

Conflict Studies.

3. Barlow, M. (2009). Blue covenant: The global water crisis and the coming battle for the right to water.
4. Haas. Ernest. B. (1958). The Uniting of Europe, London: Stanford,
5. Harger K., Young A. T. & Hall J. (2017). Globalization, Institutions, and Income Convergence, *Journal of Regional Analysis and Policy*, Mid-Continent Regional Science Association, 47(2),.
6. Jain, Bakhtawar M. (2004). India–China relations: Issues and emerging trends, *The Round Table*, 93(374), 253-269.
7. Mahmoud., K. (2007). Sino-Indian Relations: Future Prospects- Friendship, rivalry or Contention?, *Regional Studies*, Spring, Vol. 25, No. 2, P. 3, 2007.
8. Malik., J. M. (2001). South Asia in China's foreign relations: peace, security and global change, *Pacific Publishing Company Review*, Vol. 13, No. 1, PP. 73-90, 2001.
9. Malik, Ved Prakash. (2006). Kargil from Surprise to Victory. New York: HarperCollins.
10. Pant, H. V. (2008). Contemporary debates in Indian foreign and security policy: India negotiates its rise in the international system, *Berlin: Springer*, 2008.
11. Purushothaman, U. (2012). American shadow over India–Iran relations. *Strategic Analysis*, Vol. 36, No. 6, PP. 899–910, 2012.
12. Roy, M. S. (2012). Iran: India's gateway to Central Asia. *Strategic Analysis*, Vol. 36,
13. Roy, S. M. (2013). India and Iran relations: Sustaining the momentum, *New Delhi: Institute for Defense Studies and Analysis*, 2013.
14. Teixeira A. A.C. and Queirós Anabela S.S, "Economic growth, human capital and structural change: A dynamic panel data analysis," *Research Policy*, Elsevier, vol. 45(8), pages 1636–1648., 2016
15. Wani, Suadat Hussain. Shah, Imtiyaz Ahmad. (2018). Economic analysis of bilateral trade: A case study of India and Iran, *International Journal of Advance and Innovative Research*, Vol. 5, No. 4, PP. 68–72, 2018.
16. Zhu, Y., Sino. (2011). Indian Relations – From Hostility to Mutual Cooperation and Complementation, *Japan Center for Economic Research*, Asia Research Report, 2011.

Translated References to English

1. Acemoglu D. Robinson J. A. (2012). Why Nations Fail: The Origins of Power,

- Prosperity and Poverty” (1st). 1st ed. *New York: Crown*, 529.
2. Ali. N. (2011). General Musharraf’s four-point formula can provide an effective roadmap in Kashmir. An Interview with Prof Abdul Ghani Bhat. Institute of Peace and Conflict Studies.
 3. Barlow, M. (2009). *Blue covenant: The global water crisis and the coming battle for the right to water*.
 4. Farzin Nia, Ziba, (2018). *China-India Relations: Cooperation and Competition, Events and Analysis Monthly*, Year 23, Number 234, 2018.
 5. Haas. Ernest. B. (2013). *The Uniting of Europe*, London: Stanford, 1958.
 6. Hafez Nia, Mohammad Reza and Kaviani Rad, Murad, (2013). *New Horizons in Political Geography*, Tehran: Samit Publishing House, 2013. **(In Persian)**
 7. Hafez Nia, Mohammad Reza, (2015). *Basics of Social-Political Studies, Volume I*, Qom: Organization of Seminaries and Seminaries Abroad, 2015. **(In Persian)**
 8. Hafeznia, Mohammad Reza, (2019). *Basics of Social-Political Studies, Volume 1*, Qom: Organization of Seminaries and Theological -Schools Abroad, 2019. **(In Persian)**
 9. Hedayati Shahidani, Mehdi; Pakzad, Fatima; Gur Pakzad, Zahra, (2017), "Factors of convergence and divergence in economic-political relations, India-China (2001-2015)", *Political Strategy Quarterly*, second year, number 6**(In Persian)**
 10. Jain, Bakhtawar M, *India–China relations: Issues and emerging trends, The Round Table*, Vol. 93, No. 374, PP. 253-269, 2004.
 11. Kapadia, Harish, (2005). *To the Unknown Himalayas: Travels and Ascents*. Tehran: Sanad Publishing House, 2005. **(In Persian)**
 12. Mahmoud, K. (2007). Sino-Indian Relations: Future Prospects- Friendship, rivalry or Contention?, *Regional Studies*, Spring, Vol. 25, No. 2, P. 3, 2007.
 13. Malik. , J. Mohan. (2001). South Asia in China’s foreign relations: peace, security and global change, *Pacific Publishing Company Review*, Vol. 13, No. 1, PP. 73-90, 2001.
 14. Malik. , Ved Prakash. (2006). *Kargil from Surprise to Victory*. New York: HarperCollins.
 15. Pant. , Harsh V. (2008). Contemporary debates in Indian foreign and security policy: India negotiates its rise in the international system, *Berlin: Springer*, 2008.
 16. Ports and Maritime Organization, *Annual Report of Ports and Maritime Organization of the Islamic Republic of Iran, Operations Statistics System*, 2016 report. **(In Persian)**

17. Ports and Maritime Organization, Chabahar Shahid Beheshti Port Development Plan, 2018. **(In Persian)**
18. Purushothaman, U. (2012). American shadow over India–Iran relations. *Strategic Analysis*, 36(6), 899–910.
19. Roshan, Amir; Faraji, Mohammadreza, (2016). India-China Relations, Foreign Relations, 9(2), 258-223, Strategic Research Institute. **(In Persian)**
20. Roy, M. S. (2012). Iran: India's gateway to Central Asia. *Strategic Analysis*, Vol. 36,
21. Roy, S. M. (2013). *India and Iran relations: Sustaining the momentum*, New Delhi: Institute for Defense Studies and Analysis.
22. Sobhani Far, Mohammad Javad, (2013). The impact of convergence and divergence factors in the relations between Iran and Saudi Arabia, *Journal of Strategic Defense Studies*, No. 18, pp. 83-110, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research - Faculty of National Defense, spring 2013. **(In Persian)**
23. Wani, S.H., & Shah, I.A. (2018). Economic analysis of bilateral trade: A case study of India and Iran, *International Journal of Advance and Innovative Research*, 5(4), 68–72.
24. Zhu, Y., Sino. (2011). Indian Relations–From Hostility to Mutual Cooperation and Complementation, *Japan Center for Economic Research*, Asia Research Report, 2011.